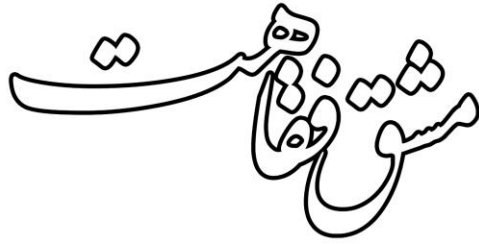


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



### دوفصلنامه علمی — تخصصی

سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳



صاحب امتیاز: مدرسه عالی حوزوی ائمه اطهار علیهم السلام

مدیر مسئول: محمدرضا فاضل کاشانی

سر دبیر: محمدعلی قاسمی

مدیر تحریریه: حامد اسدی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

علی اسلامی فر / حامد اسدی / سیدجواد حسینی گرگانی

حامد خادم الذاکرین / احمدرضا خسروی

محمدعلی قاسمی / محمدرضا فاضل کاشانی



مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین

ویراستار: مهران اسلامی

مترجمان: مجتبی شیخی (انگلیسی) / میثم حسینی (عربی)

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا: صفرعلی اخلاقی



نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، دفتر دوفصلنامه مشق فقاهت

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۹۴۹۴ - دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۵۸۸

قیمت: ۷۰۰۰۰۰ ریال





## The Concept of *Shubha Ṣidqiyya* and Its Functions in the Science of Uṣūl al-Fiqh

Sayyid Husayn Tahiri<sup>1</sup>

Muhammad Faizi<sup>2</sup>

### Abstract

The examination of various types of doubt (*shubuhāt*) in the process of deriving Sharī'a rulings is of great importance due to their direct impact on the determination of the Lawgiver's (*Shāri'*) ruling. Among these, *shubha ṣidqiyya* (a doubt concerning the applicability or truth of a concept with respect to an external instance) is a relatively underexplored category that requires precise analysis in order to clarify its nature within the process of legal inference. This article adopts an analytical-comparative methodology, employing library-based and documentary research, with the aim of elucidating the nature and legal implications of *shubha ṣidqiyya* in uṣūl al-fiqh.

The study examines the ontological nature of *shubha ṣidqiyya*, its distinction from related categories of doubt—namely conceptual doubt (*shubha mafhūmiyya*), legal doubt (*shubha hukmiyya*), instance-based doubt (*shubha miṣdāqiyya*), and subject-based doubt (*shubha mawḍū'iyya*)—and clarifies its ruling once such a doubt becomes established. The earliest explicit reference to this type of doubt is found in Shaykh Anṣārī's discussion in *Kitāb al-Ṭahāra*. In *shubha ṣidqiyya*, the doubt arises from what may be described as a “gray zone” at the margins between abstract concepts and external existents,



سال دوم | شماره چهارم  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

1. Level Four (Sath 4) Research Student of the Qom Seminary, Advanced (Kharij) Program, Ahl al-Bayt (Peace Be upon Them) Jurisprudential Center. (Corresponding Author) Seyedhoseintaheri110@gmail.com
2. Level 4 Scholar, Advanced Levels Instructor, Ahl al-Bayt (Peace Be upon Them) Jurisprudential Center, Qom. m.faezi110@gmail.com

which gives rise to uncertainty. The article then explores the sources of *shubha ṣidqiyya* from two perspectives: “ambiguity in existence” and “ambiguity in understanding.” When the ambiguity pertains to existence, *shubha ṣidqiyya* takes the form of an instance-based doubt (*shubha miṣdāqiyya*); when it pertains to understanding, it may revert either to a conceptual doubt (*shubha mafhūmiyya*) or to an instance-based doubt.

The study further examines the applications of *shubha ṣidqiyya* in uṣūlī discussions such as acting upon a general text (*al-akhdh bi-l-‘āmm*) in cases of doubt regarding a disconnected specifier (*shubhat al-mukhaṣṣiṣ al-munfaṣil*), the obligation of investigation (*wujūb al-fahṣ*), the principle of presumption of continuity (*istiṣhāb*), and the probative authority (*hujjiyya*) of a jurist’s opinion in resolving such doubt, among others. In conclusion, based on the analyses presented, *shubha ṣidqiyya* in some cases is assimilated to instance-based doubt and in others to conceptual doubt, and this classification leads to differing outcomes in various uṣūlī discussions.

**Keywords:** *shubha ṣidqiyya*, conceptual doubt (*shubha mafhūmiyya*), instance-based doubt (*shubha miṣdāqiyya*), typology of doubts.





دوفصلنامه علمی - تخصصی  
سال دوم، شماره سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۳)  
تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

## مفهوم شبهه صدقیه و کارکردهای آن در علم اصول

سید حسین طاهری<sup>۱</sup>

محمد فائزی<sup>۲</sup>

### چکیده

بررسی شبهات مختلف در فرآیند استنباط احکام شرعی، به دلیل تأثیر بر حکم شارع، از اهمیت بالایی برخوردار است و یکی از این شبهات که کمتر به آن پرداخته شده شبهه صدقیه می باشد که در فرآیند استنباط حکم نیازمند تحلیل دقیق برای شناخت ماهیت آن هستیم. این مقاله با روش تحلیلی - تطبیقی است که با شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و با هدف تبیین ماهیت و حکم شبهه صدقیه در علم اصول فقه انجام شده است. در این مقاله به بررسی ماهیت شبهه صدقیه، تفاوت آن با شبهات هم‌خانواده (مفهومی، حکمی، مصداقی و موضوعی) و تبیین حکم آن در صورت استقرار می‌پردازد. اولین اشاره صریح به این شبهه در کلام شیخ انصاری در کتاب الطهاره دیده می‌شود. در شبهه صدقیه حقیقتاً حیطة خاکستری و حاشیه مفاهیم و وجودات خارجی است که سبب به وجود آمدن شبهه شده است. سپس در این مقاله به منشأ شبهه صدقیه از دو منظر «ابهام در هستی» و «ابهام در فهم» خواهیم پرداخت. در صورت ابهام در هستی، شبهه صدقیه از جنس شبهه مصداقیه خواهد بود. اما اگر ابهام در فهم باشد، می‌تواند به شبهه مفهومی یا مصداقیه بازگردد. سپس به بررسی تطبیقات این شبهه در مباحث اصولی نظیر اخذ به عام در شبهه مخصص منفصل، وجوب فحص، استصحاب، حجیت قول فقیه در رفع آن و ... رسیدگی خواهیم کرد. در آخر، با توجه به تحلیل‌های ارائه شده، در برخی موارد شبهه صدقیه به شبهه مصداقیه و در برخی به مفهومی ملحق می‌شود که این الحاق، نتایج متفاوتی در مباحث اصولی دارد.

**واژگان کلیدی:** شبهه صدقیه، شبهه مفهومی، شبهه مصداقیه، شبهه شناسی

۱. سید حسین طاهری (نویسنده مسئول) دانش پژوه مرکز فقهی ائمه اطهار (عج) قم؛

Seyd hoseintaheri110@gmail.com

۲. محمد فائزی (استاد راهنما) سطح ۴ حوزه استاد سطوح عالی مرکز فقهی ائمه اطهار (عج) قم؛

m.faezi110@gmail.com

## مقدمه

بررسی شبهه های مختلف در مقام کشف حکم شرعی و عمل به آن، یکی از موارد مهم در فرآیند استنباط دستورات شارع در مقام عمل به آن است چرا که نسبت به شبهات مختلف حکم تغییر خواهد کرد. شبهه صدقيه یکی از این شبهات است که شناخت ماهیت و حکم آن ضروری به نظر می رسد و در کلمات فقها کمتر به آن پرداخته شده است.

مسئله اصلی این پژوهش از آنجا ناشی می شود که شبهه صدقيه در حقیقت، ناظر به حیطه خاکستری و حاشیه مفاهیم و وجودات خارجی است که ماهیت آن به درستی تحلیل نشده و مرز آن با شبهات هم خانواده، به طور دقیق ترسیم نگردیده است. از سوی دیگر، در فرآیند استنباط و عمل، نیاز به یک تحلیل دقیق برای شناخت ماهیت شبهه صدقيه و تعیین حکم اصولی آن یک ضرورت علمی است. در واقع، ابهام در ماهیت دقیق این شبهه و فقدان یک تبیین نظام مند از حکم جاری بر آن، شکاف پژوهشی موجود است که نیازمند ورود و تحلیل جدی است.

اولین بار شیخ انصاری در کتاب الطهاره به این قسم از شبهه صریحاً اشاره کردند: *ثم لو شك في تحقق الضابط المذكور - للشك في الصدق أو المصدق - عمل بالأصول (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۸)* که در این بیان به طور مشخص بین شبهه در صدق و شبهه در مصداق فرق گذاشته اند البته به نظر در کلمات فقهای متقدم از ایشان نیز به این شبهه اجمالاً اشاره شده (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۶۳-۶۶۴؛ محقق سبزواری، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۱) هر چند با اصطلاح شبهه صدقيه نبوده است و بعد از جناب شیخ در کلمات فقهای دیگر نیز به این شبهه اشاره شده است (نائینی، ۱۳۷۶ ش، ج ۴، ص ۵۸۱-۵۸۲).

در مقالات و پژوهش های مکتوب عنوانی یافت نشد که به طور مستقل به این موضوع پرداخته باشد. و در دروس خارج اساتید نیز تا جایی که توسط نگارنده مورد بررسی قرار گرفته، فقط در درس خارج استاد مفیدی زید عزه است که به طور مستقل و مفصل به آن پرداخته شده است.

با توجه به پیشینه های بررسی این شبهه، به نظر برای جمع بندی کلام علماء،



مشخص کردن دقیق شبهه صدقيه، بیان تفاوت آن با دیگر شبهات هم خانواده و بیان حکم آن نیاز به توجه دوباره به این مطلب ضروری می باشد.

در مقاله اولاً سعی بر شناخت ماهیت شبهه صدقيه و بیان تفاوت آن با شبهات هم خانواده و سپس بیان راه حل های رفع آن و بیان حکم آن در صورت استقرار است.

### ۱. ماهیت شبهه صدقيه

شبهه صدقيه یعنی شبهه ای که هنگام تحقق آن، در صدق مفهوم، شک حاصل شود (حلی، ۱۴۳۲، ج ۱۱، ص ۷۹). به عنوان مثال حجم مشخصی از آب را در جایی قرار می دهیم و حجمی مشخص از خاک را کم کم به آن اضافه می کنیم تا جایی که به حدی می رسیم که مشخص نیست هنوز به این ترکیب، آب گفته می شود یا خیر؟ که در این مثال در امور خارجی هیچ اشتباه و خلطی وجود ندارد و مفهوم آب هم برای ما روشن است اما در صدق آب، بر این آب مخلوط با خاک شک حاصل می شود.



سال دوم | شماره چهارم  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

با توجه به جریان این شبهه در آب که از واضح ترین مفاهیم عرفی می باشد؛ باید توجه کرد که در بسیاری از اعیان و صفات این شبهه جریان خواهد داشت تا آنجایی که محقق نائینی فرموده اند که در غالب مفاهیم این شبهه جریان دارد (نائینی، ۱۳۷۶ ش، ج ۴، ص ۵۸۱) برای واضح شدن حدود این شبهه باید آن را با دیگر شبهات سنجید و تفاوت هایشان را مشخص کرد.

#### ۱-۱. شبهه مفهومی

شبهه مفهومی همانطور که از نامش هم پیدا است، شبهه در مفاهیم حکم است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۴۶، ص ۳۱۲) به این صورت که مفهومی در نزد عرف اجمال داشته باشد و به این جهت شک در حکم شرعی لازم بیاید مثل اینکه در جمله غنا حرام است ما شک در مفهوم غنا داشته باشیم که در صورت عدم تحدید شرعی شک خود را با مراجعه به عرف و پرسش از معنای آن حل خواهیم کرد و در صورت عدم تشخیص عرف شک ما مستقر خواهد شد.

این شبهه با شبهه صدقيه متفاوت است چرا که در شبهه مفهومیه اصل مفهوم روشن نیست ولی در شبهه صدقيه، اصل مفهوم مشخص است لکن شک در صدق آن بر این مصداق خارجی است و این شک ما با مراجعه به عرف نیز حل نمی شود چرا که شک در صدق، برای عرف هم وجود دارد همان طور که در مثال آب و خاک بیان شد که مفهوم آب کاملاً واضح است ولی پس از ریختن تدریجی خاک در مرحله ای، شک در صدق آب بر آن می شود.

برخی از مثال های شبهه مفهومیه که در آنها شک در سعه و ضیق یک مفهوم است در نگاه اول خیلی نزدیک به شبهه صدقيه هستند مانند شبهه در مفهوم فاسق که می دانیم قطعاً برای مرتکب گناهان کبیره است؛ ولی شک داریم آیا به مرتکب صغائر هم فاسق گفته می شود یا خیر؟ لکن باید توجه داشت که این مثال ها نیز با شبهه صدقيه متفاوت هستند چرا که در آنها شبهه در موضوع له لفظ است و مفهوم مشکوک است لکن در شبهه صدقيه همانطور که بیان شد مفهوم کاملاً واضح است البته در ادامه مقاله به این می پردازیم که آیا شبهه صدقيه برگشت به همین قسم از شبهات مفهومیه دارد یا ملحق به شبهات مصداقيه است؟



سال دوم | شماره چهارم  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

## ۲-۱. شبهه حکمیه

شبهه حکمیه شبهه ای است که به خاطر اشتباه در حکم شرعی شکل گرفته است. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۳۱۲) این شبهه با شبهه مفهومیه از حیث تعریف دو بحث متفاوت هستند چرا که شبهات در شبهه مفهومیه از حیث متعلق و در شبهه حکمیه از حیث منشاء به وجود آمدن مورد بررسی قرار می گیرند لکن از حیث مصادیق شبهه حکمیه اعم از شبهه مفهومیه است زیرا هر شبهه ای در مفهوم در صورت استقرار و عدم امکان رفع، منجر به اجمال در حکم می شود که این یکی از منشاءهای سه گانه تعارض و اجمال و فقدان نص در شکل گیری شبهه حکمیه است.

شبهه صدقيه با شبهه حکمیه از حیث تعریف متفاوت هستند زیرا شبهات در شبهه صدقيه مانند مفهومیه از حیث متعلق مورد بررسی قرار می گیرند و این بر خلاف شبهات حکمیه است و از نظر مصداق در ادامه مقاله هنگام بررسی علت و منشاء شبهه صدقيه به آن خواهیم پرداخت.

### ۳-۱. شبهه مصداقیه و موضوعیه

شبهه مصداقیه، شبهه‌ای است که در مصداق حکم رخ داده است (انصاری، ج ۲، ص ۴۲۷) یعنی مفهوم حکم کاملاً برای ما روشن است لکن مصداق آن را به خاطر اشتباه در امور خارجیه نمی‌دانیم مثلاً در الخمر حرام مفاهیم کاملاً برای ما روشن هستند فقط نمی‌دانیم این مایع خارجی خمر است یا خیر؟

شبهه موضوعیه، شبهه‌ای است که ریشه آن اشتباه در امور خارج از حکم است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۴۳) یعنی از ناحیه جعل به جهت فقدان، تعارض یا اجمال نص شبهه‌ای وجود ندارد و شک به خاطر امور خارج از حیطه نص است.

در کلامات اکثر اصولیان، بین شبهه مصداقیه و موضوعیه تفاوتی گذاشته نشده است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۳۱۱) اما می‌توان گفت این دو اولاً از حیث نحوه تقسیم متفاوت هستند؛ همانطور که به این مطلب در تفاوت بین شبهه مفهومی و حکمی نیز اشاره شد و ثانیاً شبهه مصداقیه برای مباحث الفاظ است و شبهه موضوعیه در مقام جریان اصول عملیه مورد بررسی قرار می‌گیرند (مغنیه، ۱۹۷۵، ص ۱۷۳) به عبارت دیگر شبهه مصداقیه مقدم بر شبهه موضوعیه است و اگر شبهه مصداقیه رفع شد (مثلاً با حکم به اخذ به عام در شبهه مصداقیه مخصص) تبدیل به شبهه موضوعیه نمی‌شود.

اما شبهه صدقیه با شبهه مصداقیه و موضوعیه متفاوت است چرا که در شبهه صدقیه شک ما در صدق عنوان است لکن در این دو شک ما در مصداق خارجی و به خاطر جهل مکلف به خارج است که مثلاً نمی‌داند این آب نجس است یا نجس نیست اما در شبهه صدقیه جهلی به مصداق حکم وجود ندارد و جهل حقیقتاً به ذات این ماهیت خارجی است. البته در ادامه باید بررسی کنیم که شبهه صدقیه از لحاظ حکم، در مبانی مختلف ملحق به کدام یک از این اقسام شک است.

### ۲. بررسی حکم شبهه صدقیه

برای بررسی حکم شبهه صدقیه به نظر نیاز به یک بررسی مجدد و دقیق‌تر موضوع آن داریم یعنی باید ببینیم شبهه در صدق اسم و عنوانی بر یک ذات خارجی از کجا نشأت می‌گیرد و به چه دلیل به وجود می‌آید. ما در اینجا به مقدار نیاز به آن می‌پردازیم.





## ۲-۱. منشاء شبهه صدقیه

در مقام بررسی حکم، سوال اصلی ما این است که منشاء شبهه صدقیه، ابهامی در هستی است یا منشاء آن ابهامی در فهم عرف از خارج است یا به عبارت دیگر شبهه ما مربوط به هستی شناسی است یا مربوط به معرفت شناسی می‌باشد.

## ۲-۱-۱. ابهام در هستی

اگر ابهام در هستی وجود داشته باشد، یعنی حقیقتاً این حالت مشکوک خودش یک ماهیت ثالثی است. برای تحلیل ابهام در هستی به این مثال توجه کنید؛ اگر وقتی آب را با خاک مخلوط می‌کنیم به مرحله ای برسیم که در خارج چیزی داریم که نه آب است نه گل، یعنی حقیقتاً یک چیز مبهمی بین این دو در خارج وجود دارد؛ چنین ابهامی دیگر ارتباطی به فهم مخاطب ندارد بلکه یک حقیقت خارجی است البته باید توجه شود که در این صورت بحث منطق دو ارزشی یا امتناع ارتفاع نقیضین نقض می‌شود و باید مورد بررسی مجدد قرار بگیرد.

ارتفاع نقیضین یعنی بین دو نقیض شیء سومی ثابت نیست در مثال ما اینطور پیاده می‌شود که این شیء در خارج یا آب هست یا آب نیست در صورتی که اگر بحث ابهام متوجه عالم هستی باشد می‌توان گفت که امکان دارد گزاره‌های آب هست و آب نیست هر دو درباره آن کاذب باشد که در نتیجه ما باید پای منطق سه ارزشی را پیش بکشیم که در آن ما سه گزاره صادق، کاذب و نامشخص داریم. اگر شک ما مربوط به هستی شناسی باشد، پس شبهه صدقیه حقیقتاً از جنس شبهه مصداقیه خواهد بود چرا که گویا ما شک داریم که این شیء خارجی آب است یا از مبهمات واقعی است که هر دو در خارج، دارای مصادیق خود هستند و وقتی حکم ما روی عنوان آب رفته است پس شبهه مصداقیه آب به وجود آمده است.

## ۲-۱-۲. ابهام در فهم

اما اگر ابهام در فهم ما از عالم واقع وجود داشته باشد؛ یعنی در حقیقت، امر مبهمی در خارج وجود ندارد بلکه ما هستیم که متوجه تحقق شیء در خارج نمی‌شویم، در این صورت، شبهه در لسان دلیل رخ داده است و از جنس شبهات مفهومی می‌باشد.



با این بیان شبهه صدقيه در مثال آب و گل این چنین بیان می شود که ابهام موجود در آب مخلوط با خاک واقعاً برای عالم هستی نیست بلکه ما هستیم که نمی توانیم صادق بودن گزاره "این آب هست" را تشخیص بدهیم و این بازگشت به عدم تمیز دقیق مفهوم آب دارد، پس شبهه در مفاهیم و سبب اجمال دلیل است که از جنس شبهات مفهومی و حکمی می باشد.

معمولاً فقیهانی که متعرض حکم شبهه صدقيه شده اند آن را با همین تحلیلی که بیان شد، ملحق به شبهه مفهومی دانسته اند؛ به عنوان مثال شیخ حسین حلی در این باره فرمودند: "شک در صدق مفهوم بر این فرد خارجی (در شبهه صدقيه) در صورتی که مفهوم تفصیلاً مشخص باشد اصلاً معقول نیست پس باید آن را مورد بررسی قرار دهیم و بعد از آن مشخص می شود که این شک رجوع به فضای مصادیق ندارد و مربوط به مفاهیم است" (حلی، ۱۴۳۲، ج ۱۱، ص ۸۰).

ولی برخی دیگر از اساتید همین ابهام در فهم را به گونه ای بیان کرده اند که به شبهه مصداقیه بازگشت می کند (مفیدی، [almabahas.bahjat.ir](http://almabahas.bahjat.ir)، مقاله گردآوری شبهه صدقيه) به این بیان که در شبهه صدقيه، مفهوم برای عرف روشن است و حتی بعد از تحقق این شبهه اگر از همین عرف، مثلاً از مفهوم آب سوال شود کاملاً آن را برای خود روشن می بینند و به نظرشان هیچ اجمالی در آن رخ نداده است پس در حقیقت قابلیت انطباق آن بر مصداق خارجی محلّ ابهام است یا به عبارت دیگر مفهوم در حقیقتش هیچ اجمالی رخ نداده، ولی در مقام تطبیق بر خارج به سبب خاصیت و شرایط مصداق خارجی در صدق مفهوم شک ایجاد شده است که در این صورت، شبهه صدقيه به وضوح ملحق به شبهه مصداقیه خواهد شد.

باید توجه داشت که در این بیان ادعای ابهام در هستی وجود ندارد بلکه گویا حقیقتاً ابهام در مقام امتازج مفهوم با واقع و مصداق است و همچنین ابهام نه در خارج از مفاهیم مانند شبهه مصداقیه و نه در مفهوم است، بلکه در ترکیب این دو است اما چون خارج از حیطه مفاهیم صرف می باشد و بعد از رجوع به ارتکاز و عرف در مفهوم اجمالی نمی بینیم ملحق به شبهه مصداقیه است.

پس اگر ابهام در هستی باشد یا این تحلیل دوم را بپذیریم حکم شبهه صدقيه



ملحق به شبهه مصداقيه خواهد بود و اگر تحليل اول از ابهام در فهم را قبول كنيم ملحق به شبهه مفهومي مي شود كه در هر کدام از اين دو صورت، نتايج و تطبيقات متعددي در اصول خواهند داشت كه در ادامه به برخي اشاره مي كنيم. به نظر نگارنده از حيث ماهوي اين شبهه خارج از دايره مفاهيم و ملحق به شبهات مصداقيه است هر چند ابهامي در حقيقت عالم هم وجود ندارد و نقصان از حيث معرفتي ما مي باشد چرا كه ابهام با تحقق و وجود همخواني ندارد و وجود عين تشخص و خلاف ابهام است.

البته بايد توجه داشت كه صرف الحاق به يكي از اين دو شبهه سبب آن نمي شود كه در تمام احكام با آنها مشترك بشود بلكه در هر بحث، بايد ديد ملاك و ضابطه حكم چيست و بر اساس آن بگوييم چه حكمي بر آن بار مي شود.

### ۳. تطبیقات شبهه صدقيه

برای بررسی حکم شبهات صدقيه بايد علاوه بر بررسی دقيق حقيقت شبهه صدقيه كه به آن پرداخته شد، به احكام شبهات ديگر كه توسط فقها مورد بررسی قرار گرفته اند نيز پردازيم و ملاك و ضابطه آن را مشخص كنيم تا از اين مسير حكم شبهات صدقيه در بحث هاي مختلف نيز روشن بشود. يعني به عنوان مثال در بحث اخذ به عام در شبهه مخصص منفصل كه مشهور اصوليان معاصر قائل به فرق ميان شبهه مصداقيه و مفهومي شده اند، مشخص كنيم كه وجه فرق ميان اين دو شبهه چيست و در نتيجه در اين بحث شبهه صدقيه به کدام يك ملحق مي شود.



سال دوم | شماره چهارم  
پايز و زمستان ۱۴۰۳

#### ۳-۱. اخذ به عام در شبهه مخصص منفصل

در اين بحث همان طور كه اشاره شد مشهور اصوليون از معاصرین قائل به فرق ميان شبهه مفهومي و مصداقيه شده اند و در شبهه مفهومي در صورت دوران بين اقل و اكثر اخذ به عام را صحيح دانسته اند ولي در شبهه مصداقيه اخذ به عام را تمام نمي دانند البته آخوند بين مخصص لبي و لفظي تفصيل قائل شده اند و در شبهه مصداقيه در لبي منفصل نيز اخذ به عام را صحيح دانسته اند (آخوند خراساني، ۱۴۰۹ق،

ص ۲۲۰/خويي، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۳۴۳).

البته گروهی مانند شیخ انصاری رضوان الله علیه نیز قائل به عدم فرق از این حیث شده‌اند و اخذ به عام در هر دو را تمام می‌دانند که شیخ این قول را کلام مشهور بلکه بدون مخالف دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۲).

در صورت عدم فرق، این بحث برای این نوشتار ثمره عملی ندارد چون در هر دو صورت می‌توان اخذ به عام کرد پس آنچه برای ما در مقام مهم است، تحلیل قول به تفصیل و بررسی علت فرق گذاشتن بین مفهومیّه و مصداقیّه یا مصداقیّه لفظی و لبی است تا مشخص شود حکم شبهه صدقیّه ملحق به کدام گروه است و پر واضح است که این نوشتار، در مقام بیان قول مختار در بحث اخذ به عام در شبهات مخصّص نیست.

#### ۱-۳. علت فرق بین شبهات مفهومیّه و مصداقیّه در اخذ به عام

کسانی که فرق بین شبهه مفهومیّه و مصداقیّه از این حیث را پذیرفته‌اند در مقام تقریر آن، دو نحوه بیان دارند که بر اساس هر یک باید مسئله را مورد بررسی قرار داد، پس در ادامه ادله هرکدام جداگانه بررسی می‌شود:

#### ۲-۱-۳. تقریر مشهور قائلین به این نظر

قائلان به فرق بین شبهه مفهومیّه و مصداقیّه در یک بیان فرموده‌اند: در شبهه مفهومیّه در صورت دوران بین اقل و اکثر، عام به مقدار حجّیت خاص، مقید می‌شود و در مقدار مشکوک (اکثر) اصلاً تخصیص رخ نمی‌دهد، پس در مقدار مشکوک اخذ به عام هیچ مانعی ندارد؛ ولی در شبهه مصداقیّه، عام به تمام خاص تقیید می‌خورد؛ چرا که در مفهوم خاص هیچ اجمالی وجود ندارد پس مراد جدی از عام، همان عام مخصّص می‌شود و بعد در مقام تطبیق خارجی بر مصداق، شک حاصل می‌شود. پس در حقیقت شبهه مصداقیّه مخصّص، شبهه مصداقیّه عام هست و قطعاً اخذ به عام در شبهات مصداقیّه خودش صحیح نیست (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۴۷).

بر اساس این بیان، شبهه صدقیّه مخصّص منفصل از جنس شبهه مصداقیّه خواهد بود (حکم شبهه مصداقیّه را دارد) چرا که با دقت در آن می‌توان گفت که شبهه صدقیّه مخصّص، همیشه منجر به وجود شبهه صدقیّه در عام می‌شود و گویا



این‌ها هر دو با هم یک مرز نامشخصی دارند که منجر به ایجاد این شبهه صدقیه شده است و اخذ به عام در شبهه صدقیه خودش هم ممکن نیست؛ چون مانند شبهه مصداقیه، شک در صدق اسم و موضوع داریم.

به عنوان مثال اگر حکم عام ما "تمام طلاب را اکرام کن" باشد و مخصص منفصل ما، "طلاب بلند قد را اکرام نکن" باشد در این صورت موارد شبهه صدقیه بلند قدی به عام نیز سرایت می‌کنند چون نهایتاً عام ما "طلاب کوتاه قد را اکرام کن" است و با توجه به اینکه شبهات صدقیه بلند قد، روی دیگرشان می‌شود شبهات صدقیه کوتاه قد، در این موارد نمی‌توان اخذ به عام کرد پس شبهه صدقیه مخصص مانند شبهه مصداقیه مخصص به عام سرایت می‌کند.

### ۳-۱-۳. تقریر مرحوم شهید صدر

ایشان فرق بین شبهات مصداقیه و مفهومی مخصص منفصل را در اخذ به عام، این طور بیان کرده‌اند: از آنجا که در شبهات مصداقیه، واقع خارجی حقیقتاً برای مولا نیز مجهول است (به عنوان مولویت نه به عنوان خداوند متعال عالم به غیب) نمی‌توان عموم را بر آن حمل کرد و به وسیله عموم کشف ثبوت حکم بر آن را کرد چرا که کشف مراد جدی مولا در چنین حالتی که امر برای او نیز مشخص نباشد، ممکن نیست. اما در شبهات مفهومی، چون مولا و عبد از این حیث با یکدیگر یکسان نیستند و شبهه، برای مولی به عنوان مولویتش وجود ندارد و فقط شبهه، برای عبد محقق است، می‌توان از عموم کلام مولا استفاده کرد و آن را بر مورد مشکوک نیز صادق دانست (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۹، ص ۵۶).



سال دوم | شماره چهارم  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

در این بیان نیز شبهه صدقیه ملحق به شبهه مصداقیه خواهد شد چرا که در شبهه صدقیه نیز حقیقتاً مورد شبهه برای شخص مولا و آمر نیز مجهول است و در این حالت نمی‌توان اخذ به عموم کلام او بر مورد مشکوک کرد؛ مثلاً در مثالی که ذکر شد شبهات صدقیه قد بلند برای شخص امر کننده نیز وجود دارد و اگر از او هم سوال شود، موارد مشکوک حل نخواهند شد. پس در نتیجه، در هر دو بیان شبهات صدقیه مخصص منفصل، ملحق به شبهات مصداقیه خواهند شد و نمی‌توان اخذ به عام کرد.

## ۲-۳. شبهه صدقیه و مسامحه عرف

مشهور فقها در بحث حجّیت مسامحات عرفی در تطبیق موضوع قائل به تفصیل شده اند و فرموده اند که اگر تسامح عرف در حیطة مفهوم باشد مورد قبول است اما اگر پس از مشخص شدن مفهوم و در مقام تطبیق مصادیق باشد مورد قبول نیست. البته این قول، مخالفانی هم دارد که مسامحات عرفی را در هر دو مقام حجت دانسته اند و برخی نیز فرموده اند فقط در مصادیق حجّت است (شبی، ج ۱۵، ص ۵۰۳۲) در این مقام سوال ما این است که مسامحات عرفیه در شبهات صدقیه ذیل کدام قسم از شبهات قرار می گیرد؟

با دقت در این بحث، می توان گفت که حجّیت و عدم حجّیت مسامحات عرفی دائر مدار صدق اسم است یعنی مسامحات عرفی اگر به شکلی باشد که منجر به صدق اسم بر مورد شود آن را حجّت می شمارند و اگر منجر به صدق اسم نباشد آن را حجّت نمی دانند و این هم به دلیل این است که بیانات شارع خطاب به عرف صورت گرفته است و اگر غیر از متفاهم عرفی مقصودی دیگری داشته باید بیان می شده تا نقض غرض صورت نگیرد پس صدق و عدم صدق آن بر اساس فهم عرف و مسامحات آن ها می باشد اما بعد در مقام تطبیق مصادیق دیگر عرف جایگاهی ندارد و نوبت به عقل می رسد.

پس مثلاً اگر شارع، آب را سبب طهارت دانسته منظور از آب، همان چیزی است که عرف بر آن صدق اسم آب می کند ولی اگر یک آبمیوه خیلی رقیق را به عرف بدهیم و عرف بگوید این آب نیست بلکه آبمیوه است ولی مصداقاً ملحق به همان آب است، حرف عرف مورد قبول نیست چون تسامح در مصداق است و سبب صدق اسم نمی شود.

با توجه به این مطلب مسامحات عرفیه در شبهات صدقیه حجّت نخواهند بود؛ چون موجب صدق اسم نیستند و حقیقتاً مورد مشکوک، که مثلاً شک داریم صدق اسم آب بر آن می شود یا خیر، حتی بعد از مسامحه نیز به آن آب گفته نمی شود پس حتی اگر شبهات صدقیه را از قبیل شبهات مفهومیه بدانیم باز مسامحات در آن ها حجّت نخواهند بود کما این که محقق همدانی هر چند آن را از قبیل شبهات مفهومیه دانسته اند اما تسامحات عرف در آن را حجّت نمرده اند (همدانی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱۳، ص ۲۹۰).



### ۳-۳. بررسی جریان استصحاب در شبهات صدقیه موضوعی و حکمی

برای بررسی جریان استصحاب در شبهات صدقیه، باید بحث جریان استصحاب در شبهات مفهومی را مورد توجه قرار داد که خود مجال و بحثی جدا می‌طلبد (ر.ک: پور صدقی و شبان، ۱۴۰۰، شماره ۲۶).

اما با توجه و دقت در آن بحث، به نظر نکته اصلی در جریان یا عدم جریان استصحاب، بحث تبدل موضوع بعد از تحقق شبهه است. به عنوان مثال در آبی که با خاک مخلوط شده است اگر حکم به بقای مطهریت آن بر اساس استصحاب بشود، آیا عرف این را استمرار حکم سابق مطهر بودن آب می‌بیند و موضوع را تغییر کرده به شمار نمی‌آورد؟ یا اینکه این را یک حکمی جدید و غیر از حکم سابق می‌بیند چرا که این آب مخلوط با خاک را با آب زلال دو موضوع به شمار می‌آورد.

اگر بعد از تحقق شبهه صدقیه، عرف بگوید که موضوع تغییر کرده است استصحاب در آن جریان نخواهد داشت چرا که یکی از ارکان استصحاب که در مباحث اصولی مورد بحث قرار گرفته بحث وحدت موضوع است و اگر موضوع از نظر عرف، تغییر نکرده باشد استصحاب جریان پیدا خواهد کرد، همچنین اگر شک در بقاء موضوع نیز بشود، نمی‌توان حکم به جریان استصحاب نمود چرا که باید بقای موضوع احراز شده باشد.

به نظر در نوع موارد در شبهات صدقیه، در صورت استمرار حکم سابق، تبدل موضوعی که عرف بگوید این یک حکم جدید است، حاصل نمی‌شود و به همین سبب استصحاب در مقام جریان خواهد داشت.

### ۳-۴. شبهه صدقیه و وجوب فحص

می‌دانیم که اصولی‌ها در شبهات حکمیه قائل به وجوب فحص هستند و در شبهات موضوعیه اجمالاً آن را لازم نمی‌دانند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۷۷) پس برای بررسی حکم شبهه صدقیه باید وجه فرق بین شبهات در این بحث روشن گردد تا حکم شبهه صدقیه در بحث مشخص بشود.

به نظر مهم ترین دلیلی که بر وجوب فحص در مقام بیان شده است، روایات وجوب تعلّم می‌باشد که آنها موجب تخصیص ادله برائت مانند حدیث رفع



می‌شوند و وجوب فحوص در شبهات حکمیه را ثابت می‌کنند. با توجه به این مطلب اگر شبهه صدقيه، ملحق به مفهومی باشد، چون منجر به شبهه حکمیه می‌شود، پس فحوص از آن لازم است وگرنه در صورت الحاق به شبهه موضوعیه فحوص از آن لازم نیست.

در محل بحث به نظر روایت زیر از زرارہ از امام علیه السلام که در بحث استصحاب مورد بررسی قرار می‌گیرد و معروف به صحیحہ دوم زرارہ می‌باشد می‌تواند به روشن شدن بحث کمک کند.

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَنَامُ وَهُوَ عَلَى وُضُوءٍ أَتُوجِبُ الْخَفَقَةَ وَالْخَفَقَتَانِ عَلَيْهِ الْوُضُوءَ فَقَالَ يَا زُرَّارَةُ قَدْ تَنَامُ الْعَيْنُ وَلَا يَنَامُ الْقَلْبُ وَالْأَذُنُ فَإِذَا نَامَتِ الْعَيْنُ وَالْأَذُنُ وَالْقَلْبُ فَقَدْ وَجِبَ الْوُضُوءُ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۸).

همانطور که مشخص است با توجه به عرب زبان بودن زرارہ، او قطعاً مفهوم "نوم" را می‌دانسته و سؤالش از حاشیه خاکستری این مفهوم است که آیا چرت‌های کوتاه نیز بر آن‌ها صدق خواب می‌شود تا سبب نقض وضو بشود یا خیر؟ پس در نتیجه شبهه مورد سوال در مقام، شبهه صدقيه می‌باشد که با توجه به جواب امام و توضیح مفهوم "نوم" توسط ایشان، مشخص می‌شود که شبهه صدقيه را از این حیث ملحق به شبهه مفهومی دانسته‌اند و در آن وجوب فحوص و پاسخگویی از جانب شارع را لازم دیده‌اند.

البته این سبب نمی‌شود که اصل شبهه صدقيه را از نظر امام سلام الله عليه ملحق به شبهه مفهومی بدانیم چرا که با توجه به عام بودن شبهات صدقيه و مختص نبودن آن‌ها به موارد خاص و جزئی، برای مشخص شدن احکام شریعت بیان آن‌ها بر شارع لازم است و می‌توان گفت از این حیث ملحق به شبهات مفهومی هستند هر چند در اصل از شبهات مصداقيه هستند.

### ۵-۳. شبهه صدقيه و حجیت کلام فقیه

در بحث حجیت قول فقیه و وجوب تقلید از ایشان، قول مشهور نزد فقها (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۸) این چنین است که اگر شبهه مفهومی باشد چون بازگشت به





شبهه در حکم شرعی دارد پس وظیفه فقیه بیان آن است و قول او در مقام حجّت است لکن اگر صرفاً شبهه مصداقيه باشد چون خارج از حکم شرعی است حجیت قول و تقلید از فقیه ثابت نیست.

البته برخی از محققان همچون استاد شوپایی (برگرفته از درس خارج اصول سال ۱۴۰۴) در همین شبهه مصداقيه هم می‌فرمایند که اگر به علت پیچیدگی موضوع (مثل مسائل بانکی و بازارهای بورس) طوری باشد که عرف قابلیت تطبیق را نداشته باشد، از باب جلوگیری از اندارس شریعت و وجوب حفظ معالم دین به نحو کفایی بر فقها واجب است که ورود کنند و حکم را تطبیق بدهند و به دنبالش وجوب تقلید از مجتهدی که چنین عملکردی نیز لازم است.

حال در مقام سوال این است که شبهه صدقيه به کدام یک از این دو قسم ملحق می‌شود؟ اگر شبهه صدقيه را ملحق به مفهومی دانستیم که امر مشخص است و قول فقیه در بیان ضوابط آن نیز دارای حجیت است لکن به نظر اگر حتی آن را ملحق به شبهه مصداقيه هم بدانیم چون از شبهات موضوعی صرف نیست و بازگشت به فهم معالم دین دارد، باز قول فقیه در آنجا معتبر است.



سال دوم | شماره چهارم  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

در این باره کلامی از مرحوم کاشف الغطاء وجود دارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۹) که به نظر ضابطه دقیقی در کلامشان برای محل حجیت قول فقیه در شبهات بیان شده است؛ ایشان می‌فرمایند: "مناطق در صحت تقلید بر این اساس است که اگر شبهه، صرفاً جزئی بود مثل این که این شی خارجی خاک است یا خیر قول فقیه حجیتی ندارد لکن اگر شبهه کلیه بود قول فقیه در آن حجیت دارد." که بر این اساس و لو شبهه صدقيه ملحق به مصداقيه باشد اما باز چون کلیت در آن متصور است و خارج از موضوعات محض است، کلام فقیه در آن حجیت دارد چون در راستای کشف معالم دین و احکام شرعی است و صرفاً در مقام تطبیق نیست.

یا براساس بیانی که گذشت بر ضرورت ورود فقیه به مسائلی که نوع عرف قابلیت تطبیق آن را ندارند هم می‌توان گفت حتی اگر موضوعات، محض باشد باید فقها به نحو کفایی در آن ورود کنند و قولشان حجّت است.

## نتیجه گیری

شبهه صدقيه، در پی شک در صدق عنوان بر یک مصداق خارجی رخ می دهد. مشخص شد که این شبهه با شبهه مفهومی، که ابهام در خود مفهوم است، و شبهه مصداقيه، که شک در انطباق مفهوم واضح بر مصداق خارجی است، متفاوت است. منشأ شبهه صدقيه می تواند ناشی از ابهام در خود هستی یا ابهام در فهم ما از واقعیت باشد. تحلیل های ارائه شده نشان داد که اگر منشأ ابهام، هستی شناختی باشد حتما ملحق به شبهه مصداقيه است و اگر تحلیل دوم یعنی ابهام در فهم پذیرفته شود، شبهه صدقيه احتمال دارد به شبهه مفهومی یا مصداقيه ملحق می گردد. این الحاق، پیامدهای مهمی در مباحث اصولی دارد. به عنوان مثال، در بحث اخذ به عام در شبهه مخصّص منفصل، بر اساس تحلیل کلام اصولی ها، شبهه صدقيه مخصّص منفصل به شبهه مصداقيه ملحق می شود و نمی توان در آن اخذ به عام کرد. همچنین، در بحث مسامحات عرف، حتی با فرض الحاق به شبهه مفهومی، مسامحات در شبهات صدقيه حجّت نخواهند بود، زیرا موجب صدق اسم نمی شوند. در مورد جریان استصحاب، این امر به وحدت موضوع پس از تحقق شبهه بستگی دارد. در بحث وجوب فحص، با توجه به روایت زراره مشخص شد که شبهه صدقيه را ملحق به شبهه مفهومی دانسته اند و در آن وجوب فحص و پاسخگویی از جانب شارع را لازم دیده اند و در بحث حجّیت کلام فقیه در رفع شبهه صدقيه هم بیان شد که به نظر در هر دو صورت الحاق به مصداقيه یا مفهومی، قول فقیه در آن حجّت می باشد.



## فهرست منابع

### کتاب

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). کفایة الاصول. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
  ۲. انصاری، مرتضی. (۱۴۰۴ق). فرائد الاصول (رسائل). قم: مجمع الفكر الاسلامی.
  ۳. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب الطهارة. قم: مجمع الفكر الاسلامی.
  ۵. پورصدقی و شبان. (۱۴۰۰). پژوهش‌های اصولی، شماره ۲۶.
  ۶. حلّی، حسین. (۱۴۳۲). مجموعه دروس استاد حسین حلّی. جلد ۱۱. قم: مکتب وحی.
  ۷. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸). موسوعة الامام الخوئی. جلد ۴۶ و ۴۸. قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی.
  ۸. شبیری، سید موسی. (بی‌تا). کتاب القضاء (دروس). ج ۱۵.
  ۹. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۳۴ق). بحوث فی علم الاصول. جلد ۹. بیروت: الدار الاسلامیة.
  ۱۰. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۱ق)، العروة الوثقی، ج ۱، مؤسسه النشر الاسلامی.
  ۱۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، ج ۱، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
  ۱۲. مغنیه، محمد جواد. (۱۹۷۵م). علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید. دارالکتاب الاسلامی.
  ۱۳. نائینی، محمد حسین. (۱۳۷۶ش). فوائد الاصول. ج ۴. قم: جماعة المدرّسين في الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
  ۱۴. همدانی، رضا. (۱۳۷۶ش). مصباح الفقیه. ج ۱۳. قم: المؤسسه الجعفریة لاحیاء التراث.
- مقالات
۱۵. حسینی، سید محمد. (۱۳۸۹). «ابهام و پارادوکس خرمن». منطق پژوهی شماره ۱.
  ۱۶. مفیدی، حسین (almabahas.bahjat.ir) «مقاله گردآوری شبهه صدقيه».



سال دوم | شماره چهارم  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳